

# موجودیت یک دهه نیروهای بیگانه

## در آینه ارقام و حقایق

(قسمت سوم و پایانی)

دیدگاه «اصالت» پیرامون یک دهه موجودیت قوای خارجی در افغانستان



ناتو در افغانستان گرفتار شده است. سیاست رهبران ناتو به فاجعه منتهی شده است. این صرفاً یک سیاست نظامی بود و دهسال اقدامات نظامی در افغانستان اوضاع را وخیم تر کرده است. گزارش ملل متحد که در پاریس انتشار یافته است، نشان می دهد- شش هزار و دوصد و پنجاه افغان در درگیری های سال دوهزار و ده میلادی آسیب دیده اند و دوهزار و چهار صد و دوازده نفر بر اثر شدت صدمات و جراحات وارده جان خود را از دست داده اند. همچنین در شرایط کنونی، هر روز بگونه متوسط هشت نفر در درگیری ها کشته و دوازده نفر دیگر مجروح می شوند. حملات نظامی و درگیری های ایجاد شده توسط گروه های مسلح، عامل اصلی تلفات انسانی عنوان شده است. در همین حال نیز گزارش ها حاکی از کشته شدن هفتصد و یک نظامی خارجی در سال دو هزار و ده است و از همین رو مرگبارترین سال را از زمان موجودیت قوای خارجی از سال دو هزار و یک تا کنون تجربه کرده اند. هم اکنون بیش از یکصد و پنجاه هزار نظامی خارجی در قالب نیروهای موسوم به ایساف در افغانستان مستقر اند.

توکودیدس مورخ یونانی و نویسنده جنگ‌های پلوپونزی بود که به شرح وقایع جنگ پلوپونز بین آتن و اسپارت در چهار صد و یازده پیش از میلاد پرداخت. وی به پدر تاریخ علمی ملقب است زیرا برای نخستین بار در مقدمه کتابش به تدوین کلیات و تحلیل تاریخ بر اساس علت و معلول می‌پرداخت.

بینگ وست هم یکی از نویسندگان یونانی است که با نوشتن کتابهای متعددی درباره ی جنگ‌های معاصر، باید او را توکودیدس این عصر نامید. او مثل هموطنان آتنی خود در قرون معاصر، اغلب دور از خطوط اول جنگ‌های جهانی و لشکرکشی‌های آمریکا و متحدانش - بعد از حمله به برج‌های نیویارک - بوده است. ولی در پنج کتاب اخیر خود درباره استراتژی‌های مربوط به این جنگ‌ها ثابت کرده است که می‌تواند مثل گذشتگان خود دلایل و بهانه‌های پشت پرده ی این جنگ‌ها را بشناسد و حداقل اینکه در تحلیل‌های خود به مدارکی استناد کند که وجود دارند و رسانه‌های ابرقدرت‌ها آنها را انکار می‌کنند. پنجمین کتاب این مورخ یونانی درباره ی جنگ‌های است که آمریکا مسبب اصلی آنها بوده است و برخلاف توکودیدس که بعد از اتمام جنگ‌های تاریخ مربوط به آنها را می‌نوشت؛ بینگ منتظر انتهای آنها نمی‌شود و بیشتر به جای سرنوشت و پیروز میدان به علل و عواملی می‌پردازد که آن جنگ بر اساس آنها شروع شده است. او در آخرین کتابش "جنگ اشتباه" همین روند را تکرار کرده است. وست به جای سرنوشت جنگ‌ها بیشتر در متن آنها قرار می‌گیرد و این کار را با زندگی و دوستی با سربازان و تفنگداران نیروی دریایی آمریکا انجام می‌دهد. او سعی می‌کند بدون حضور فیزیکی در میدان جنگ، احساسی را به مخاطب منتقل کند که سربازان در خطوط اول جنگ آن را تجربه می‌کنند. او در انتقال این تجربه هیچ چیز از خودش نمی‌نویسد و هرچند در ضمیمه و پاورقی‌های کتاب خود نظرات خود را اضافه می‌کند؛ ولی وقتی نظرات خود سربازان را درباره ی جنگ‌های تاریخ کشور آمریکا مثل جنگ ویتنام در دوران ریگان و روسای جمهور پس از او نقل می‌کند؛ سعی می‌کند قضاوت را به عهده‌ی مخاطب بگذارد.

جنگ اشتباه استراتژی به کار گرفته شده در افغانستان را اشتباه می‌داند. نویسنده‌ی کتاب هرچند با اعزام نیروهای آمریکایی به افغانستان برای مبارزه با گروهی به نام "طالبان" مخالفتی ندارد؛ ولی او بر اساس شواهد و مدارکی به دست آمده از سربازان آمریکایی بازگشته از افغانستان؛ معلوم می‌کند که این گروه آنقدرها هم در این کشور قدرت ندارد و مثلاً دولت اوپاما نمی‌تواند توجیهی برای اعزام سیزده هزار سرباز به افغانستان داشته باشد. بینگ تاکید می‌کند: باید نوشت که چرا برای مبارزه با چنین گروه کوچکی این حجم از نیرو باید به افغانستان اعزام شوند؟

در فصول انتهایی کتاب، وی حتی اعتقاد دارد استراتژی که آمریکا در ویتنام علیه مردم روستا های این کشور به کار می برد (برنامه عملیات مرکب، CAP) می تواند به سختی "طالبان" را مورد آسیب قرار دهد. ولی چرا از این استراتژی استفاده نمی شود و اصلاً مگر مقامات آمریکایی به تجربیات و نوشته های آرشیوی پنتاگون دسترسی ندارند که جنگی اشتباه را همچنان اصرار دارند در افغانستان و عراق ادامه دهند و اصلاً اینکه آیا قصد شان از حضور در این کشور مبارزه با "طالبان" و "القاعده" است و اگر چنین است؛ چرا از استراتژی های جنگی مرتبط استفاده نمی کنند. شاید در این نقطه وست مثل اجداد تاریخ نویس خود عمل کرده است و مثل آنها با کنار هم گذاشتن استراتژی های جنگی آمریکا در کشورهای مختلف علت و معلول ها را تحلیل می کند و به این نتیجه می رسد که هدف از جنگ در افغانستان و عراق شاید چیز دیگری غیر از "طالبان" و "اسامه بن لادن" باشد.

به هر حال، بینگ وست از آن دسته از نویسندگان غیر آمریکایی است که از حضور سربازان و نظامیان آمریکایی در افغانستان و عراق چندان ناراضی نیست و حتی در بسیاری از جملات خود روحیهی جنگ آوری و تخصص گرایی در عملیات های نظامی را در بین سربازان آمریکایی تحسین می کند؛ ولی این مطلب را نمی توان انکار کرد که خوانندگان علاقمند به حضور نظامی آمریکا در کشورهای دیگر نباید از خواندن مطالبی که وی در انتقاد از سیاست های دولتهای آمریکا مثل اوباما در اشتباهات عمدی و غیر عمدی خود در جنگ های متعدد این کشور و متحدانش در سراسر جهان غافلگیر شوند و در حقیقت باید به یاد داشته باشند که درست است که روحیه سربازان آمریکایی در خارج از این کشور برای هدفهای خاصی آموزش داده می شود؛ ولی همانطور که وست نیز خاطر نشان می کند تا کنون که هیچ کدام از این اهداف دست یافتنی نشده است و معلوم نیست با کدام استراتژی جنگی قرار است جنگ افغانستان به پایان برسد و آیا اصلاً قرار است که به پایان برسد؟

در افغانستان تعداد نبردها بین "طالبان" و نیروهای ائتلافی طی یک سال اخیر دو برابر افزایش یافته است، این احصائیه را کمیتهای رایان دونالد نماینده پنتاگون در کابل اعلام داشته است.

در این باره پارتل اطلاعاتی وستی خبر داده است. در سال دوهزار و ده میلادی به تعداد هجده هزار و پنجاه و هفت حمله بر نظامیان آمریکایی و متحدین آنها با استعمال سلاح خودکار و راکت انداز و در برخی موارد توسط مرمی های غیرقابل کنترل و راکت انجام گردیده اند.

در سال دوهزار و نونومیلادی تعداد چنین حملات به ده هزار و پنصد و نود و یک رسیده بود. دونالد گفت که افزایش حملات پیشبینی میشد، به خاطریکه قطعات آمریکایی در افغانستان تا صد و سی هزار نفر افزایش داده شده و عملیات به مراتب بیشتر به منظور بیرون راندن افراطیون از کشور و نابودسازی آنها، خاصاً

در ولایات جنوبی و شرقی انجام میگردند. ما در آن نواحی جنگ را پیش می بریم که آنها قبلاً کنترل میکردند. در این کار به نظامیان امریکایی به تعداد پنجاه هزار نظامی از بیست و هفت کشور دیگر عضو ناتو و بیست دولت همکار کمک میکنند.

از آغاز سال دوهزارونو میلادی - پنتاگون در افغانستان چهارصد و هفتاد نفر کشته تلفات داده و بصورت کل از ماه اکتوبر سال دوهزارویک میلادی به تعداد هزار و سه صد و بیست و یک سرباز امریکایی کشته شده اند. طی مدت نو سال ده هزار نفر سرباز امریکایی زخمی شده اند. باید گفت که تعداد تلفات نیروهای خارجی در افغانستان از شروع سال دوهزار و ده میلادی از هفتصد نفر، برخلاف پنجصد و بیست و یک نفر در سال دوهزارونو میلادی تجاوز نموده است.

استخبارات امریکا به کانگریس ایالات متحده امریکا گزارش محرم ارایه نمودند که در آن خاطر نشان گردیده، تا زمانیکه پاکستان افراطیون و "طالبان" را در خاک خود از بین نبرد، پیروزی در افغانستان ناممکن می باشد. در گزارش تحلیلی گفته شده که پیشرفت معین در باره تامین امنیت در افغانستان فقط در عده محلات، جایی که پایگاه های بزرگ نیروهای امریکا و ناتو وجود دارند، بطور مثال در کابل و اطراف آن و یا ولایات قندهار و هلمند، دستیاب شده است. بخش اعظم مناطق دوردست کشور را "طالبان" کنترل میکنند و یا افراطیون میتوانند به آسانی بر آنها دسترسی داشته باشند. نظر به افزایش عملیات جنگی تعداد تلفات در بین مردم ملکی در افغانستان روبه افزایش می باشد. قرار معلومات سازمان ملل متحد تعداد تلفات مردم ملکی در سال روان به مقایسه عین مدت سال گذشته به اندازه سی و یک افزایش یافته است. در عین حال تعداد هرچه بیشتر افغانان حملات بر نیروهای امریکا و ناتو را تبرئه میکنند. اگر در سال گذشته این تعداد به هشت فیصد میرسید، پس امسال تعداد چنین مردم به بیست و هفت فیصد میرسد. این ارقام در نتیجه نظرسنجی بدست آمده که وسایل اطلاعات جمعی غربی همه ساله انجام میدهند.

یک روزنامه آلمانی با اشاره به اینکه دهسال بعد از شروع جنگ افغانستان سازمان پیمان آتلانتیک شمالی در معرض خطر ناکامی در این عملیات قرار گرفته نوشت که در چنین شرایطی این ائتلاف نظامی ناامیدانه به دنبال راه فراری از افغانستان است. بعد از گذشت ده سال از جنگ افغانستان ناتو در معرض خطر شکست قرار گرفته است. شعار اواما مبنی بر اینکه این جنگ درست انتخاب شده به پیروزی منتهی می شود دیگر اعتبار ندارد.

زمانی که ناتو در سال دوهزاروپنج خود را در افغانستان در یک شرایط ناپایدار احساس کرد هنوز اعتقاد داشت که ادامه این جنگ برای او سود دارد بنا بر این به تغییر استراتژی در این جنگ روی آورد. اما

امروز دهسال بعد از گذشت این عملیات سازمان آتلانتیک شمالی در معرض خطر ناکامی در این جنگ قرار دارد. بر اساس گزارشی که حکومت آلمان اخیرا درباره شرایط افغانستان ارائه داده است حضور نظامی دایما در حال رشد ناتو در افغانستان به یک بهبود دائمی و پایدار شرایط امنیتی در این کشور منجر نشده است. رکود حاصل از ضعف های ناتو در افغانستان بعد از گذشت دهسال زمان از دست رفته دیگر به سادگی قابل جبران نیست. سال دوهزارویازده برای شروع برگشت نیروهای نظامی بیگانه از افغانستان تا پایان دوهزاروچهارده برای برگشت کامل نیروهای نظامی از این کشور از زمان انتخاب اوباما به عنوان رئیس جمهوری آمریکا در سال دوهزاروهشت در دستور کار قرار گرفته بود. البته شعار اوباما مبنی بر اینکه این جنگ درست انتخاب شده به پیروزی منجر می شود دیگر اعتبار ندارد. اکنون موضوع تنها رسیدن به یک موفقیت نسبی می باشد تا تاریخهای تعیین شده برای برگشت را به نوعی از سر بگذرانند البته اگر اجرایی کردن آن عملی باشد. این در حالی است که برلین و بروکسل شک جدی خود را به تحقق چنین وعده ای از طرف اوباما اظهار کرده اند.

این در حالی است که جنرال پتریوس و برخی از فرماندهان نظامی ناتو با صراحت درباره کاهش گروههای نظامی در این کشور هشدار داده و زمان بیشتری را برای دستیابی به یک به زعم خود موفقیت پایدار درخواست کرده اند. به این ترتیب بین رهبران سیاسی و نظامی در افغانستان درباره چگونگی در پیش گرفتن استراتژی نظامی در کشور اختلاف نظر و کشمکش وجود دارد. این مسئله زمانی جدی تر می شود که برنامه های ناتو به منظور بازسازی و آموزش نیروهای داخلی در پس این اختلاف نظرها باقی می مانند. به گونه ای که بر اساس ارزیابی های کارشناسان نظامی ناتو کیفیت و شایستگی نیروهای امنیتی داخلی به خصوص در سطح رهبران آنها بسیار ناقص است. به این ترتیب قابل پیش بینی است که این اجبار برای دستیابی به موفقیت در آمریکا تضادها و اختلاف علایق اعضای ناتو درباره مسئله افغانستان را افزایش خواهد داد.

از طرف دیگر هزینه وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) رقمی بالغ بر بیست هزار دالر در هر ثانیه است. شبکه تلویزیونی آمریکا (سی.ان.ان) در مورد هزینه های سرسام آور پنتاگون، با صدای تیک، تیک، تیک . . . (شماره انداز هزینه) گزارش خود را آغاز کرد. رابرت گیتس وزیر دفاع قبلی آمریکا بودجه ای بالغ بر هفتصد میلیارد دالر را برای سال دوهزارویازده میلادی درخواست کرده بود.

سی.ان.ان گزارش کرد: با این رقم می توان تمام وسایط نقلیه در سراسر آمریکا را به هر میزان که خواسته باشید در طی سال از بنزین پر کرد و یا اینکه برای هر نوزاد، کودک و نوجوان آمریکایی ده رایانه لب تاپ خرید. این درحالی است که وزیر دفاع آمریکا از صرفه جویی یکصد میلیارد دالری طی

پنج سال آینده خبر داد اما گزارشگر این برنامه به طعنه گفت: این اقدام خوبی است، جناب وزیر! در ادامه گزارش این شبکه خبری آمده است: آمریکا هم اکنون پنجصد پایگاه نظامی در سراسر جهان، به غیر از افغانستان و عراق دارد که هزینه چنین پایگاه هایی به صدها میلیارد دلار می رسد. باک مک کویین نماینده کنگره آمریکا به سی.ان.ان گفت که این رقمی فزاینده برای بودجه نظامی پنتاگون است. سی.ان.ان به یکی از طرح های بلندپروازانه، ساخت هواپیمای جنگنده چند منظوره رادار گریز عمود پرواز F-۳۵ پنتاگون اشاره کرد که هزینه ساخت آنها نزدیک به چهارصد میلیارد دلار می رسد. تینا جونز مدیر سابق بودجه وزارت دفاع آمریکا در مورد کاهش هزینه های این وزارتخانه پرخرج آمریکایی، به دو گزینه کاهش نظامیان و یا کاستن از هزینه مراقبت از مصدومان جنگی اشاره کرد. بخشی از صرفه جویی هزینه پنتاگون طی پنج سال آینده به کاهش بودجه مراقبت از مصدومان و معلولان نظامی آسیب دیده در جنگ های آمریکا باز می گردد، این کاهش رقمی معادل شصت و پنج میلیارد دلار خواهد بود.

سی.ان.ان گفت: دقایقی که شما این گزارش را مشاهده کردید و شماره انداز گوشه تصویر در حال شماره اندازی بود، پنتاگون در همین مدت زمان کوتاه، بیش از سه میلیون دلار هزینه داشت. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی شبکه خبری العالم به نقل از کارشناسان، بودجه نظامی و امنیتی آمریکا از سال دوهزارویک میلادی - زمان تجاوز نظامی این کشور به افغانستان- رشدی صدونوزده درصدی داشته است.

ارقام و نقل قولها از بخشهای خبری.

قسمت اول

قسمت دوم